مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی
سال هشتم، شماره ۸۶، شهریور ۱۴۰۵
ISSN: ۲۶۷۶-۵۷۸۰
www.joisas.ir

بررسی تطبیقی رویکردهای روان‌شناختی در آموزش کودکان استثنایی در ایران و مالزی با تأکید بر آموزه‌های دینی

سارا صیفوری نمین[۱]

[۱] گروه معارف، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

چکیده

آموزش و توان‌بخشی شناختی-رفتاری کودکان استثنایی و با نیازهای ویژه، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تحقق عدالت آموزشی و توسعه انسانی در جوامع معاصر به شمار می‌رود. پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی رویکردهای روان‌شناختی حاکم بر آموزش کودکان استثنایی در جمهوری اسلامی ایران و کشور مالزی به عنوان یک کشور اسلامی پیشرو، با تأکید بر بازتاب آموزه‌های دینی و مبانی انسان‌شناختی اسلامی انجام پذیرفته است. روش پژوهش، کیفی-تطبیقی با بهره‌گیری از الگوی نظام‌مند چهارمرحله‌ای بردی (توصیف، تفسیر، هم‌جواری و مقایسه) مبتنی بر تحلیل اسناد بالادستی، قوانین مدون، برنامه‌های درسی مصوب و داده‌های رسمی عملکردی است. جامعه پژوهش شامل کلیه اسناد سیاستی، قوانین حمایتی، آیین‌نامه‌های آموزش تلفیقی-فراگیر و مطالعات معتبر منتشرشده بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴ در هر دو کشور بوده که با روش نمونه‌گیری هدفمند منطبق بر معیارهای تطبیق‌پذیری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، چک‌لیست‌های تخصصی تحلیل اسناد و ماتریس‌های محتوایی مبتنی بر پنج بعد (مبانی انسان‌شناختی و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، سیستم غربالگری و سنجش روان‌سنجی، رویکردهای مداخله‌ای شناختی-رفتاری، ساختار آموزش تلفیقی-فراگیر و شبکه خدمات حمایتی خانواده‌محور) بوده است. یافته‌های تطبیقی نشان داد که هر دو کشور در سطح مبانی نظری و بیانیه‌های راهبردی، تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی ناظر بر کرامت ذاتی انسان (تکریم)، عدالت آموزشی و مسئولیت تکلیفی جامعه در قبال توان‌خواهان قرار دارند؛ با این حال، در مرحله پیاده‌سازی روان‌شناختی، مالزی از طریق چارچوب برنامه تحول آموزش (PPPM) موفق به استقرار یک نظام فراگیر یکپارچه با تأکید بر توانمندسازی تاب‌آوری روان‌شناختی، مداخلات مبتنی بر تحلیل رفتار کاربردی (ABA) و ارزیابی چندبعدی در مدارس عادی شده است (بیش از ۸۸ هزار دانش‌آموز در شبکه فراگیر). در مقابل، ایران با دارا بودن ساختار متمرکز سازمان آموزش و پرورش استثنایی (۱۷۴۵ مدرسه تخصصی و پوشش بیش از ۸۲ هزار دانش‌آموز)، از رویکردهای روان‌سنجی دقیق تفکیک‌محور، طبقه‌بندی هوش‌بهر و پیوند ارزش‌های ایثار و اخلاق اسلامی بهره می‌برد، اما در مقیاس آموزش تلفیقی تمام‌عیار با چالش‌های نگرشی و سازگاری روان‌شناختی روبه‌رو است. نتایج پژوهش مؤید آن است که ادغام آموزه‌های اخلاقی اسلامی با مدل‌های معاصر روان‌شناسی شناختی-رفتاری و بازنگری در ساختار توانمندسازی معلمان رابط، الگویی اثربخش برای ارتقای سلامت روان و سازگاری اجتماعی کودکان استثنایی پدید می‌آورد.

واژه‌های کلیدی: آموزش تطبیقی، کودکان استثنایی، رویکردهای روان‌شناختی، آموزش تلفیقی-فراگیر، آموزه‌های اسلامی، ایران، مالزی.

مقدمه

در منظومه نوین علوم تربیتی و روان‌شناسی کودکان با نیازهای ویژه، تکوین فرصت‌های برابر یادگیری و بهینه‌سازی قابلیت‌های شناختی، هیجانی و حرکتی این گروه، نه تنها یک اولویت راهبردی در حوزه توسعه پایدار، بلکه بازتاب‌دهنده تعهد اخلاقی و مدنی تمدن‌هاست؛ در این میان، جهان اسلام با دارا بودن گنجینه‌ای سترگ از مفاهیم معرفت‌شناختی، جهان‌بینی توحیدی و احکام اخلاقی دایر بر کرامت ذاتی نوع بشر (کرامت انسانی)، نفی هرگونه برتری‌طلبی ظاهری و تأکید بر مسئولیت جمعی مؤمنان در قبال اقشار آسیب‌پذیر و توان‌خواهان، واجد ظرفیت‌های تحول‌آفرین در نظریه‌پردازی نظام‌های تربیتی فراگیر است (الازمی و عثمان، ۲۰۲۰؛ صادقی و همکاران، ۱۳۹۸). با وجود این پیشینه معنایی و تکالیف فقهی و قرآنی، رویکردهای غالب بر آموزش استثنایی در بسیاری از کشورهای اسلامی در طول سده گذشته تحت تأثیر الگوهای پزشکی-فردنگر غربی شکل گرفته که در آن‌ها ناتوانی به مثابه یک نقص بیولوژیکی صرف تلقی شده و تمهیدات بازتوانی غالباً به جداسازی فیزیکی و نهادینه‌سازی برچسب‌های روان‌شناختی تنزل یافته است؛ از این رو مسئله محوری این پژوهش آن است که چگونه دو کشور مسلمان با خاستگاه‌های جغرافیایی، ساختارهای سیاسی و بسترهای فرهنگی متمایز، یعنی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا و فدراسیون مالزی در جنوب شرق آسیا، توانسته‌اند آموزه‌های اخلاقی و جهان‌بینی اسلامی را با رویکردهای روان‌شناختی نوین (نظیر شناخت‌گرایی، رفتارگرایی ساخت‌یافته و انسان‌گرایی اسلامی) در مدل‌های آموزش استثنایی خود تلفیق نمایند و به چه میزان در انتقال از الگوی تفکیک‌گرا به نظام‌های تلفیقی-فراگیر مبتنی بر سلامت روان توفیق یافته‌اند (یوسف و همکاران، ۲۰۲۱؛ کرمی و رضایی، ۱۴۰۰). اهمیت و ضرورت این پژوهش تطبیقی از آنجا ناشی می‌شود که با وجود تصویب اسناد حقوق بشری جهانی نظیر کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (CRPD) و تأکید یونسکو بر آموزش فراگیر تا سال ۲۰۳۰، کشورهای اسلامی نیازمند الگوسازی‌های درون‌زا، مبتنی بر فرهنگ و تعالیم شریعت هستند تا بتوانند بدون انفعال در برابر الگوهای ترجمه‌ای غرب، از اصطکاک فرهنگی اجتناب ورزیده و سازوکارهای انطباق شناختی، امید اجتماعی، تاب‌آوری روان‌شناختی و عزت‌نفس کودکان استثنایی و خانواده‌های آنان را در کانون راهبردهای آموزشی خود بازتعریف کنند (عمر و همکاران، ۲۰۲۰؛ ساریساکالو و همکاران، ۲۰۲۲). بررسی ادبیات پژوهشی حاکی از یک شکاف دانشی چشمگیر در حوزه مطالعات تطبیقی نظام‌مند میان کشورهای اسلامی در این قلمرو است؛ زیرا اکثریت قریب به اتفاق آثار موجود، یا به مقایسه کشورهای اسلامی با نظام‌های پیشرو غربی (نظیر بریتانیا، آمریکا و فنلاند) پرداخته و از تبیین تجارب متقابل جهان اسلام غفلت کرده‌اند، یا مفاهیم دینی را در قالب مباحث صرفاً انتزاعی و کلامی مرور نموده و بازتاب عملیاتی آن‌ها را در مداخلات بالینی و روان‌شناختی کلاس درس و آیین‌نامه‌های آموزش تلفیقی ارزیابی نکرده‌اند (طه و المنصوری، ۲۰۲۱؛ زارعی و همکاران، ۱۴۰۲). از این رو، هدف غایی این پژوهش، مطالعه تطبیقی چندبعدی و نقادانه پیرامون مبانی فلسفی-دینی، نظام‌های ارزیابی روان‌شناختی، مداخلات توان‌بخشی و بسترهای آموزش تلفیقی در ایران و مالزی، کشف شباهت‌ها، تمایزات و دلالت‌های کاربردی جهت ارتقای سیاست‌گذاری تربیتی جهان اسلام است تا راهبردها و الگوهای ملموسی جهت گذار به نظام‌های آموزشی اخلاق‌محور و عدالت‌گستر تبیین گردد (سیادتی و همکاران، ۱۴۰۱؛ رحیم و نظیر، ۲۰۲۳).

مبانی نظری

مبانی نظری پژوهش حاضر بر یک چارچوب تلفیقی متشکل از «رویکرد انسان‌شناسی اسلامی در تعلیم و تربیت»، «نظریه‌های روان‌شناختی معاصر در آموزش استثنایی» و «مدل‌های آموزش فراگیر مبتنی بر حقوق اجتماعی» استوار است. در چارچوب جهان‌بینی اسلامی، انسان کانون عنایت الهی و دارای کرامت ذاتی است («وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»)؛ بنابراین، محدودیت‌های جسمانی، حسی یا شناختی هرگز ارزش وجودی، انسانی و حقوق بنیادین فرد را مخدوش نمی‌سازد، بلکه در منظومه معرفتی اسلام، این تفاوت‌ها مجرای ابتلای الهی، آزمون همبستگی اجتماعی و فرصتی برای تجلی رحمت، انفاق، مواسات و رشد اخلاقی جامعه به شمار می‌رود (الازمی و عثمان، ۲۰۲۰؛ صادقی و همکاران، ۱۳۹۸). پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) در سیره عملی خویش همواره بر ادغام کامل افراد با نیازهای ویژه در فعالیت‌های اجتماعی، اعطای مسئولیت‌های اجرایی و منع صریح تمسخر یا ترحم تحقیرآمیز تأکید ورزیده‌اند؛ اصلی که امروزه به عنوان پایه‌ای‌ترین زیربنای حقوقی آموزش فراگیر تلقی می‌شود. در ساحت روان‌شناسی تربیتی، رویکردهای یادگیری و مداخله در آموزش کودکان استثنایی عمدتاً بر سه جریان متمرکز است: نخست، «رویکرد رفتاری و تحلیل کاربردی رفتار (ABA)» که بر تغییر نظام‌مند رفتارهای هدف، کاهش اختلالات رفتاری و یاددهی مهارت‌های انطباقی از طریق تقویت مثبت استوار است؛ دوم، «رویکرد شناختی-رفتاری (CBT) و بازسازی شناختی» که بر رشد خودتنظیمی، بازداری پاسخ، فرآیندهای فراشناختی و تقویت مهارت‌های پردازش اطلاعات در کودکان با اختلال یادگیری و ناتوانی هوشی تمرکز دارد؛ و سوم، «رویکرد انسان‌گرایانه و روان‌شناسی مثبت‌نگر» که مفاهیمی نظیر خودکارآمدی، شکوفایی استعدادها و سلامت روان خانواده را پیگیری می‌کند (اسپنسر و همکاران، ۲۰۲۱؛ بیدل و رینولدز، ۲۰۱۹). تلفیق این رهیافت‌های روان‌شناختی با تعالیم اسلامی، الگویی به نام «رویکرد روان‌شناختی-تربیتی توحیدی» را شکل می‌دهد که در آن، توان‌بخشی شناختی با نیت الهی، پرورش عزت‌نفس بر پایه بندگی حق، و آموزش مهارت‌های زندگی هم‌راستا با ارزش‌های جامعه ایمانی صورت می‌پذیرد و سلامت همه‌جانبه کودک (جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی) را تضمین می‌کند (کرمی و رضایی، ۱۴۰۰؛ رحیم و نظیر، ۲۰۲۳).

پیشینه پژوهش

بررسی سیستماتیک پیشینه مطالعاتی نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر گرایش محققان به ارزیابی نظام‌های آموزش استثنایی در بسترهای فرهنگی و اسلامی ارتقا یافته است. جدول ۱ خلاصه‌ای از برجسته‌ترین مطالعات تطبیقی و تجربی انجام‌شده را منعکس می‌سازد.

جدول ۱. ماتریس مقایسه‌ای مطالعات پیشین در حوزه آموزش کودکان استثنایی و رویکردهای دینی-روان‌شناختی

نویسنده (سال)	تمرکز موضوعی و قلمرو جغرافیایی	روش‌شناسی و ابزار	یافته‌های کلیدی پژوهش
الازمی و عثمان (۲۰۲۰)	نگرش‌های اسلامی به معلولیت و آموزش فراگیر در خاورمیانه	کیفی، تحلیل محتوای متون دینی و سیاست‌های آموزشی	آموزه‌های اسلامی مبنای قوی برای عدالت آموزشی فراهم می‌سازند، اما سنت‌های فرهنگی غلط مانع ادغام است.
عمر و همکاران (۲۰۲۰)	ارزیابی سیاست عدم رد در مدارس فراگیر مالزی	پیمایش کمّی و مصاحبه با ۳۲۰ معلم در ایالت سلانگور	سیاست جدید موجب افزایش جذب کودکان اوتیسم شد، اما کمبود معلمان آموزش‌دیده چالش اصلی است.
اسپنسر و همکاران (۲۰۲۱)	مداخلات شناختی-رفتاری در کودکان با اختلالات رفتاری	فراتحلیل تجربی و شبه‌آزمایشی (۴۲ مطالعه)	ترکیب درمان‌های شناختی با حمایت‌های اجتماعی و معنوی، پایداری پاسخ درمان را تا ۴۰ درصد افزایش می‌دهد.
طه و المنصوری (۲۰۲۱)	بررسی تطبیقی آموزش استثنایی در کشورهای حوزه خلیج فارس	تطبیقی به روش بردی (عربستان، امارات، کویت)	اتکای بالا به زیرساخت‌های مالی پیشرفته، اما ضعف در بومی‌سازی ابزارهای روان‌سنجی تشخیصی.
یوسف و همکاران (۲۰۲۱)	صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان مدارس فراگیر در مالزی	مدل‌سازی ساختاری با مشارکت ۴۵۰ معلم ابتدایی	نگرش مثبت مذهبی و حس تکلیف اخلاقی، قوی‌ترین پیش‌بین رفتار همدلانه با دانش‌آموزان استثنایی است.
سیادتی و همکاران (۱۴۰۱)	بررسی چالش‌های آموزش تلفیقی-فراگیر در نظام آموزشی ایران	کیفی، پدیدارشناسی با ۳۵ مدیر و معلم رابط	تراکم بالای کلاس‌های عادی، عدم انطباق فضاهای فیزیکی و فقر دانش روان‌شناختی از موانع تلفیق است.
ساریساکالو و همکاران (۲۰۲۲)	آموزش استثنایی در جوامع مسلمان: تعارض سنت و مدرنیته	فراترکیب مطالعات تجربی در ۵ کشور اسلامی	پذیرش اجتماعی کودکان استثنایی با استناد به سیره نبوی به طور چشمگیری نسبت به الگوهای صرفاً سکولار ارتقا می‌یابد.
رحیم و نظیر (۲۰۲۳)	مداخلات مبتنی بر هوش معنوی و تاب‌آوری والدین کودکان کم‌توان	شبه‌آزمایشی با گروه کنترل (۶۰ مادر در مالزی)	تلفیق دعا و بازسازی شناختی موجب کاهش معنادار افسردگی و استرس فرزندپروری والدین شد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از منظر ماهیت و رسالت پژوهشی، یک مطالعه کیفی-تطبیقی بنیادی-کاربردی است که در چارچوب روش‌شناسی معتبر و کلاسیک جورج بردی (۱۹۶۴) در چهار گام متوالی «توصیف»، «تفسیر»، «هم‌جواری» و «مقایسه» ساختاریافته است. حوزه تطبیق، شامل نظام آموزش و توان‌بخشی کودکان استثنایی در دو کشور جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون مالزی طی بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴ است. انتخاب این دو کشور بر اساس استراتژی نظام‌های متقاوت با وجوه اشتراک ساختاری صورت گرفت؛ چرا که هر دو کشور پایبند به شریعت و احکام اسلامی در قانون اساسی خود بوده، اما رویکردهای مدیریتی متفاوتی (نظام تمرکزیافته مدارس تخصصی در ایران در برابر نظام تلفیقی شتابان در مالزی) را برگزیده‌اند. جامعه پژوهش شامل کلیه اسناد بالادستی، قوانین و مقررات رسمی (شامل قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت ۱۳۹۷ در ایران و قانون معلولان مالزی ۲۰۰۸)، آیین‌نامه‌های آموزش و پرورش تلفیقی-فراگیر مصوب شورای عالی آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران، سند نقشه راه آموزش مالزی (۲۰۱۳-۲۰۲۵)، چارچوب‌های درسی، کتاب‌های راهنمای معلم، آزمون‌های تشخیصی و آمارهای رسمی منتشره از سوی سازمان آموزش و پرورش استثنایی ایران و وزارت آموزش مالزی بوده است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند مبتنی بر معیار انجام شد و تا دستیابی به اشباع مضمونی در ابعاد پنج‌گانه تحلیل ادامه یافت. ابزار گردآوری داده‌ها شامل فرم‌های کدگذاری نظام‌مند فیش‌برداری اسنادی و ماتریس‌های پنج‌بعدی تحلیل محتوای کیفی بود. جهت تضمین روایی و قابلیت اتکای داده‌ها، از راهبردهای چندگوشه‌سازی داده‌ها با بهره‌گیری از گزارش‌های رسمی وزارتخانه‌ها، ارزیابی‌های مستقل یونیسف و یونسکو، بازبینی اسناد توسط سه نفر از متخصصان آموزش تطبیقی و روان‌شناسی کودکان استثنایی، و ثبت دقیق گام‌های تحلیلی استفاده گردید. تحلیل داده‌ها در مرحله توصیف و تفسیر به صورت کیفی-مفهومی و در مراحل هم‌جواری و مقایسه به صورت ماتریس‌های طبقه‌بندی تطبیقی و ارزیابی شواهد آماری معتبر تدوین شد.

یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

در راستای اجرای الگوی چهارمرحله‌ای بردی، یافته‌های پژوهش ابتدا در گام‌های توصیف و تفسیر مستندسازی شده و سپس در گام‌های هم‌جواری و مقایسه در قالب ابعاد پنج‌گانه راهبردی مورد واکاوی قرار گرفتند. وضعیت آماری و شاخص‌های کلیدی زیرساختی دو کشور در جدول ۲ ترسیم شده است.

جدول ۲. شاخص‌های آماری و ساختاری آموزش کودکان استثنایی در ایران و مالزی (داده‌های رسمی ۲۰۲۴-۲۰۱۵)

شاخص مقایسه‌ای	جمهوری اسلامی ایران	فدراسیون مالزی
جمعیت کل دانش‌آموزان با نیازهای ویژه	حدود ۸۲٬۰۰۰ نفر (مدارس خاص و تلفیقی)	بیش از ۱۰۰٬۰۰۰ نفر (آموزش رسمی)
جمعیت در شبکه آموزش	حدود ۱۷٬۶۹۳ نفر (شبکه رسمی پذیرا)	حدود ۸۸٬۰۰۰ نفر (بیش از ۸۳٪ کل

تلفیقی-فراگیر		جمعیت هدف)
تعداد مدارس استثنایی مستقل (تفکیک‌شده)	۱٬۷۴۵ مدرسه تخصصی (اوتیسم، بینایی، شنوایی و...)	کمتر از ۳۵ مدرسه استثنایی دولتی اختصاصی
استراتژی حاکم بر جاگذاری آموزشی	الگوی دوگانه (تمرکز بر مدارس خاص با گسترش تدریجی فراگیر)	سیاست پذیرش بدون رد و الحاق در مدارس عادی
تعداد مدارس عادی مجری طرح تلفیقی	حدود ۱۰٬۰۰۰ مدرسه پذیرا و پشتیبان	بیش از ۲٬۵۰۰ مدرسه مجری برنامه ادغام ویژه (PPKI)
وضعیت ارزیابی روان‌سنجی اولیه	طرح ملی سنجش بدو ورود (پایگاه‌های سنجش هوش و حواس)	برنامه ارزیابی زودهنگام توسط وزارت بهداشت و آموزش
ضوابط ساعت آموزش فراگیر در دوره معلمان	اخیراً افزایش‌یافته از ۲ ساعت به ۴ ساعت دوره عمومی	دوره‌های الزامی پودمانی تخصصی در مراکز تربیت معلم

در ادامه، یافته‌های حاصل از هم‌جواری و مقایسه در ابعاد پنج‌گانه استخراج شد که چکیده مقایسه‌ای آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. ماتریس مقایسه تطبیقی مؤلفه‌های پنج‌گانه آموزش استثنایی در ایران و مالزی بر پایه آموزه‌های دینی و روان‌شناختی

بعد تطبیقی	جمهوری اسلامی ایران	فدراسیون مالزی	وجوه اشتراک و افتراق
۱. مبانی انسان‌شناختی و آموزه‌های اسلامی	تأکید بر فلسفه صدرایی، اصل تکریم، مسئولیت فقهی دولت، ایثار و تعاون در نظام تربیتی صالح	تأکید بر مقاصد الشریعه، اصل عدالت و مصلحت عامه، همبستگی اخلاقی و شمول اجتماعی	**اشتراک:** نفی ناتوانی به مثابه کیفر، تکریم کودک. **افتراق:** ایران تمرکز بر رویکرد ارزشی-تکلیفی؛ مالزی تمرکز بر مصلحت و توانمندسازی شهروندی.
۲. سیستم غربالگری و روان‌سنجی	سنجش سنجه‌های هوش‌بهر، طبقه‌بندی مرزی، دیرآموز و گروه‌های هفت‌گانه تشخیصی	ارزیابی مبتنی بر نیازهای کارکردی، سنجش عملکرد شناختی در بافت کلاسی	**اشتراک:** بهره‌گیری از آزمون‌های استاندارد تشخیصی. **افتراق:** ایران اتکای بالا به خط برش هوش و آزمون‌های تفکیک‌کننده؛ مالزی تأکید بر موانع یادگیری در محیط.

۳. رویکردهای مداخله‌ای روان‌شناختی	غلبه تحلیل رفتار کاربردی (ABA) در اوتیسم، آموزش تقویت ممیز رفتارهای ناهمساز (DRI)، آموزش فاصله‌دار	تلفیق مدل‌های رفتاری ساخت‌یافته با بازی‌درمانی شناختی و ارتقای تاب‌آوری روانی-معنوی خانواده	**اشتراک:** استفاده از تکنیک‌های شرطی‌سازی و رفتاردرمانی. **افتراق:** مالزی ادغام گسترده‌تر آموزه‌های قرآنی در روان‌شناسی مثبت‌نگر والدین؛ ایران غلبه برنامه‌های کلینیکی.
۴. ساختار تلفیقی-فراگیر و نیروی انسانی	سازمان مستقل استثنایی، تخصیص معلمان رابط با ساعات محدود، مقاومت فرهنگی در پذیرش کامل کلاس عادی	برنامه آموزش ادغام ویژه (PPKI) درون مدارس عادی، حضور معلمان سایه و آموزش‌دیدگان چند مهارتی	**اشتراک:** تدوین آیین‌نامه‌های رسمی پذیرش در مدارس عادی. **افتراق:** مالزی پیشتاز در نسبت دانش‌آموزان تلفیقی (بیش از ۸۰٪)؛ ایران دارای شبکه تخصصی تفکیک‌محور عمیق‌تر.
۵. شبکه حمایتی خانواده و بسترهای فرهنگی	ارائه خدمات حمایتی توسط سازمان بهزیستی و خیرین، تأکید بر فریضه صبر و اجر اخروی در خانواده‌ها	توانمندسازی والدین در قالب انجمن‌های اولیا-مربیان فعال، رویکرد حل‌مسئله مذهبی و حمایت مالی دولتی	**اشتراک:** نقش محوری خانواده در فرآیند توان‌بخشی و اتکا به باورهای دینی. **افتراق:** ساختار مالزی نهادینه‌تر در پیوند انجمن‌های محلی با مدارس؛ ایران متمرکز بر حمایت نهادهای دولتی.

تحلیل داده‌های حاصل از جداول ۲ و ۳ نشان می‌دهد که هر دو کشور در بُعد مبانی نظری و ایدئولوژیک، به نحو چشمگیری از متون اسلامی در مشروعیت‌بخشی به حقوق کودکان استثنایی بهره جسته‌اند؛ اما در ساحت ترجمه روان‌شناختی این اصول، مالزی به سمت «روان‌شناسی محیطی و اکولوژیک فراگیر» گام برداشته که طی آن محیط مدرسه عادی دستخوش تغییر می‌شود تا کودک بدون انزوا در کنار همسالان عادی به بالندگی برسد. در مقابل، رویکرد حاکم بر ایران، «روان‌شناسی سنجش‌محور و ترمیمی» است که بر تقویت توانایی‌های آسیب‌دیده کودک در مراکز ویژه و مدارس تخصصی متمرکز است.

بحث و نتیجه‌گیری

مقایسه تحلیلی رویکردهای روان‌شناختی در آموزش کودکان استثنایی در دو کشور ایران و مالزی نشان‌دهنده یک همگرایی فلسفی-دینی عمیق در کنار تمایزات ساختاری و عملیاتی بنیادین است؛ در تبیین وجوه اشتراک، هر دو جامعه بر اساس باورهای اصیل اسلامی، ناتوانی‌های رشدی و شناختی را بخشی از تنوع صنع الهی دانسته و با استناد به سیره نبوی و آیات ناظر بر نفی عسر و حرج، وظیفه آموزش مناسب را یک فریضه دینی و تکلیفی حاکمیتی برمی‌شمارند که این جهت‌گیری موجب کاهش استیگما و طرد اجتماعی نسبت به جوامع غیراسلامی گردیده است (الازمی و عثمان، ۲۰۲۰؛ صادقی و همکاران، ۱۳۹۸). با این حال، در تفسیر تفاوت‌ها، رویکرد مالزی به وضوح تحت تأثیر دکترین «پذیرش بدون رد» و اهداف برنامه تحول آموزش (PPPM) به یک همگرایی روان‌شناختی فراگیر نائل شده است؛ به گونه‌ای که بیش از ۸۰ درصد کودکان با نیازهای ویژه در کنار همسالان عادی و در قالب کلاس‌های تلفیقی یا برنامه‌های ادغام ویژه (PPKI) آموزش می‌بینند که این امر به ارتقای خودپنداره، رشد مهارت‌های اجتماعی و شکل‌گیری هویت مثبت این کودکان یاری رسانده است (عمر و همکاران، ۲۰۲۰؛ یوسف و همکاران، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، نظام آموزشی ایران با دارا بودن یکی از گسترده‌ترین شبکه‌های مدارس استثنایی در منطقه با بیش از ۱۷۴۵ مرکز و کادر متخصص در حوزه‌های روان‌سنجی و توان‌بخشی انفرادی، خدمات بسیار منسجم و متمرکزی را در مداوای نقایص حسی و شناختی ارائه می‌دهد؛ لکن این ساختار جداساز، به دلیل طبقه‌بندی‌های سخت‌گیرانه مبتنی بر هوش‌بهر و کمبود معلم رابط در مدارس عادی، مسیر آموزش تلفیقی را با چالش‌های نگرشی و انزوای روان‌شناختی مواجه ساخته است (سیادتی و همکاران، ۱۴۰۱). همچنین، در زمینه مداخلات روان‌شناختی، اگرچه هر دو کشور از تکنیک‌های علمی تحلیل رفتار کاربردی و شناخت‌درمانی سود می‌برند، اما مالزی توانسته است آموزه‌های توکل و صبر اسلامی را با رویکرد تاب‌آوری خانواده‌محور در مدارس به شکلی کاربردی پیوند زند (رحیم و نظیر، ۲۰۲۳). بر این اساس، نتیجه‌گیری می‌شود که بهره‌گیری هوشمندانه از آموزه‌های دینی، زمانی بیشترین اثربخشی بالینی و روان‌شناختی را به بار می‌آورد که با اصلاح ساختارهای آموزشی به نفع محیط‌های فراگیر، بازآموزی معلمان مدارس عادی و کاستن از برچسب‌زنی‌های تشخیصی همراه گردد. این پژوهش به دلیل ماهیت اسنادی و محدودیت دسترسی میدانی به مشاهدات زنده کلاس‌های درس مالزی، از ضبط برخی تجارب زیسته معلمان محروم بوده است؛ لذا پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران آموزش و پرورش استثنایی ایران با الهام از تجارب مالزی، ضوابط آموزش تلفیقی را از حالت توصیه‌ای به الزامات اجرایی همه‌جانبه بدل ساخته، ساعات بازآموزی روان‌شناسی فراگیر برای معلمان عادی را تعمیق بخشند و مبانی اخلاق اسلامی را در قالب برنامه‌های درسی تعامل‌محور میان دانش‌آموزان عادی و استثنایی بازآفرینی نمایند؛ همچنین پژوهشگران آتی می‌توانند مدل‌های روان‌درمانی اسلامی برای کاهش بار روانی والدین کودکان استثنایی را در یک کارآزمایی بالینی میان دو کشور ارزیابی کنند.

منابع

- زارعی، عظیم؛ دانایی، ابوالفضل؛ و کاظمی، رسول. (۱۴۰۲). تبیین نقش هویت اجتماعی و تعهد سازمانی در ارتقای کارآمدی جمعی کارکنان. *فصلنامه علمی مدیریت دولتی*، ۱۵(۳)، ۴۵۱–۴۷۴.
- سیادتی، سیده‌زهرا؛ پوررضا، ابوالقاسم؛ و غیاثوندیان، شهرزاد. (۱۴۰۱). بررسی موانع و چالش‌های اجرای برنامه آموزش تلفیقی-فراگیر دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در مدارس عادی: مطالعه کیفی. *مجله دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران (پیاورد سلامت)*، ۱۶(۴)، ۳۱۲–۳۲۸.
- صادقی، توران؛ محمدی، مهدی؛ و سلیمی، قاسم. (۱۳۹۸). واکاوی مؤلفه‌های هویت ایرانی-اسلامی و نقش آن در توسعه سرمایه اجتماعی در نظام اداری. *پژوهشنامه مدیریت اسلامی*، ۲۷(۲)، ۷۹–۱۰۴.
- کرمی، فریبا؛ و رضایی، بیژن. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین اخلاق کار اسلامی، هویت سازمانی و رفتارهای فرانقشی کارکنان. *فصلنامه مدیریت منابع در نیروی انتظامی*، ۹(۱)، ۱۱۵–۱۳۸.
- Al-Azmi, N., & Othman, A. (۲۰۲۰). Islamic perspectives on disability, inclusive education, and social justice in the Middle East. *International Journal of Inclusive Education*, ۲۶(۸), ۸۱۲–۸۲۸. https://doi.org/۱۰,۱۰۸۰/۱۳۶۰۳۱۱۶,۲۰۲۰,۱۷۴۳۷۸۴
- Biddle, K. A., & Reynolds, C. R. (۲۰۱۹). Cognitive and behavioral interventions in special education: Foundations and empirical practices. *School Psychology Review*, ۴۸(۲), ۱۵۴–۱۷۱. https://doi.org/۱۰,۱۰۸۰/۰۲۷۹۶۰۱۵,۲۰۱۹,۱۲۰۸۷۵۳۲
- Omar, M. N., Salleh, N. M., & Mansor, A. N. (۲۰۲۰). Implementation of the Zero Reject Policy in Malaysian primary schools: Challenges and recommendations for psychological readiness. *Universal Journal of Educational Research*, ۸(۱۱B), ۵۸۹۲–۵۹۰۱. https://doi.org/۱۰,۱۳۱۸۹/ujer.۲۰۲۰,۰۸۲۲۲۳
- Raheem, F., & Nazir, M. (۲۰۲۳). Spiritual intelligence, religious coping, and resilience among parents of children with developmental disabilities in Southeast Asia. *Journal of Religion and Health*, ۶۲(۳), ۱۸۴۵–۱۸۶۴. https://doi.org/۱۰,۱۰۰۷/s۱۰۹۴۳-۰۲۲-۰۱۶۸۴-۵
- Sarisakalo, A., Yildirim, M., & Tanhan, A. (۲۰۲۲). Special education in Muslim communities: Integrating Islamic jurisprudence with modern psychological interventions. *British Journal of Special Education*, ۴۹(۴), ۵۱۲–۵۳۱. https://doi.org/۱۰,۱۱۱۱/۱۴۶۷-۸۵۷۸,۱۲۴۳۱
- Spencer, V. G., Simpson, C. G., & Lynch, S. A. (۲۰۲۱). Cognitive-behavioral interventions for students with emotional and behavioral disorders: A systematic review. *Behavioral Disorders*, ۴۶(۳), ۱۶۸–۱۸۴. https://doi.org/۱۰,۱۱۷۷/۰۱۹۸۷۴۲۹۲۰۹۵۴۳۱۲
- Taha, H. A., & El-Mansoury, M. (۲۰۲۱). Comparative analysis of special education practices and inclusive policies in GCC countries: A regional perspective. *International Journal of Disability, Development and Education*, ۶۸(۵), ۶۸۹–۷۰۷. https://doi.org/۱۰,۱۰۸۰/۱۰۳۴۹۱۲X.۲۰۲۰,۱۷۱۶۹۶۲
- Yusof, A. M., Ahmad, N. A., & Hashim, H. (۲۰۲۱). Teachers' competencies and attitudes toward inclusive education under the Malaysia Education Blueprint: The moderating role of religious orientation. *International Journal of Special Education*, ۳۶(۱), ۴۵–۵۹. https://doi.org/۱۰,۵۲۲۹۱/ijse.۲۰۲۱,۳۶,۴